

مقاله پژوهشی

الگوسازی و سنجش مؤلفه مسکن ایرانی-اسلامی در کلانشهر مشهد

علی اصغر پیلهور*^۱، بهاره مستوفیان^۲، الهه کاوسی^۳

۱-دانشیار شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده هنر، دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران

۲- کارشناسی ارشد برنامه ریزی منطقه ای، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳- دانش آموخته دکترای جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

(دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۰۹، پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۲)

چکیده

در چند دهه اخیر سیاست های غیر موثر تامین مسکن جای خود را به ایجاد سرپناه داده و محصول چنین روندی، انبوهی از ساختمان های به اصطلاح مسکونی است که نمایانگر بی توجهی به اصول معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی می باشد. در این پژوهش تلاش شده است با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و استفاده از داده های اسنادی و پیمایشی ابعاد مختلف مسکن ایرانی-اسلامی بررسی و اصول و معیارهای مطلوب بیان گردد. برای تعمیم و گسترش الگوی مسکن ایرانی-اسلامی نیاز به معرفی یک شهر یا منطقه شهری به عنوان الگو می باشد تا سایر مناطق به الگو برداری از آن منطقه ترغیب شوند. در این تحقیق برای تعمیم الگوی مطلوب، یک منطقه از مناطق ۱۳ گانه شهر مشهد که بیشترین نزدیکی به مولفه های تعیین شده دارد به عنوان منطقه الگو تعیین و سایر مناطق را با الگوی تعیین شده تطبیق داده شده است. با استخراج مولفه های مسکن ایرانی-اسلامی ۱۱ شاخص هویت، اعتدال، دوری از بیهودگی، دوری از کبر، رعایت سلسله مراتب، حیاط مرکزی داشتن، درونگرایی، امنیت، حیا، تراکم و مساحت تعیین و از طیف لیکرت استفاده و با کمک نرم افزار Expert choice وزن دهی و ارزشگذاری انجام شد. بعد لایه ها بصورت رقومی وارد سیستم اطلاعات جغرافیایی شده و تحلیل ها ارائه شده است. نتایج نشان می دهد مؤلفه های مسکن ایرانی-اسلامی در مناطق مختلف شهر مشهد که از آن به عنوان پایتخت معنوی ایران یاد می شود، رعایت نشده و از مشخصه های مسکن ایرانی-اسلامی فاصله دارد. بطوریکه معیار تراکم با وزن ۱۵۸ سازگارترین معیار و مساحت با وزن ۴۹/۰۰۰ دورترین فاصله را با معیار مطلوب در مسکن ایرانی-اسلامی تعلق گرفته است. دیگر یافته ها بیانگر این است که تنها منطقه ۸ شهرداری مشهد با داشتن نیمی از شاخصهای مورد تحقیق بیشترین مطابقت را دارد و با داشتن بالاترین ارزش به مقدار ۲/۴۴ در بین سایر مناطق از نظر مشخصه مسکن ایرانی-اسلامی قابل قبول بوده است. لذا منطقه ۸ در مقایسه با سایر مناطق شهر مشهد از نظر مطابقت با مولفه های مورد مطالعه برتر تشخیص داده شد و منطقه ۱ و ۱۰ دارای کمترین ارزش به مقدار ۱/۵۶ و بیشترین فاصله را از مولفه ها و مشخصه های مسکن ایرانی-اسلامی بوده است.

کلمات کلیدی: مسکن ایرانی-اسلامی، مکان یابی، منطقه الگو، مشهد

همواره توجه به هویت زندگی در شهرها و عناصر کالبدی آن مثل مسکن اهمیت فراوان داشته است (جهان بخش^۱ و همکاران، ۱۳۹۶). مسکن کوچکترین شکل تجسم کالبدی رابطه متقابل انسان و محیط بوده و تبلور فضایی کارکرد حیاتی سکونت انسانی در ایفاء نقش‌های اساسی وی می‌باشد (حاتمی‌نژاد^۲ و همکاران، ۱۳۸۵). مسکن به عنوان یک مکان فیزیکی و سرپناه اولیه و اساسی خانوار بشمار می‌آید. در این سرپناه برخی از نیازهای اولیه خانوار یا فرد، همچون خواب، استراحت، حفاظت در برابر شرایط جوی و . . . تأمین می‌شود (زیاری^۳ و زرافشان، ۱۳۸۵). مسکن یا سرپناه مناسب تنها به معنای کالبد و فیریک خانه نیست. بلکه مفهوم ارزشی و معنوی همچون آرامش، خلوت، امنیت، حس تعلق دارد (هیئات^۴، ۲۰۰۶). به بیان دیگر می‌توان مسکن را مترادف آسایش، امنیت، مالکیت و پایداری دانست (پورمحمدی^۵، ۱۳۸۵).

در چند دهه اخیر ورود فرهنگ و الگوی غربی بسترسازی بی هویتی مساکن و فضاهای شهری شده است (ملکی^۶ و آریان کیا، ۱۳۹۷). لذا برنامه ریزی شهری و شهرسازی برون‌گرا در کنار سیاست‌گذاری نادرست در تأمین مسکن شهری به فاصله‌گیری از اصول معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی کمک کرده و روندها را تغییر داده است. بطوریکه مسکن سازی اصولی جای خود را به سرپناه سازی غیر موثر با مصداق انبوه سازی و بلند مرتبه سازی بی هویت داده است. تداوم این روند با هدف تلاش برای حل مشکل مسکن با رویکرد غیر اسلامی منجر شده که این مسئله نیز در افزایش شکاف بین معیارهای مسکن ایرانی-اسلامی و واقعیت‌های موجود شده است. در جریان مقتضیات زندگی و سبک شهرسازی مدرن بسترساز شکاف و تفاوت آشکار بین اصول شهرسازی اسلامی با وضع موجود شده است که در نتیجه آن روابط اجتماعی، حس همبستگی و هویت جمعی کم رنگ شده است (جهانبخش^۷ و همکاران، ۱۳۹۶). همچنین مساکن امروز از سبک زندگی خانواده ایرانی با معیارهایی مانند اعتدال، کمال، وحدت، روشنی و متانت فاصله آشکار داشته و بعنوان مسله مهم مطرح است (آصفی^۸ و ایمانی، ۱۳۹۵). مشهد بعنوان دومین کلانشهر ایران با ساختاری چند کارکردی و عمدتاً مذهبی با ضعف عملکرد و فاصله از معیارهای مسکن ایرانی-اسلامی ناتوان از مقاومت در برابر هجوم سبک و الگوی بیرونی و ارایه الگوی مطلوب با توجه به کارکرد مذهبی خود شده است. این پژوهش باهدف تحلیل تطبیقی ابعاد کالبدی مسکن معاصر و سنتی از منظر شهرسازی و معماری ایرانی-اسلامی و شناخت ویژگی‌ها و ابعاد آن ارایه شده است. همچنین این مقاله با توجه به ارزشها و معیارهای شهرسازی و معماری ایرانی-اسلامی (شاخص هویت، اعتدال، دوری از بیهودگی، دوری از کبر، رعایت سلسله مراتب، حیاط مرکزی داشتن، درونگرایی، امنیت، حیا،

-
1. Jahanbakhsh
 2. Hatami nejad
 3. Ziary
 4. Habitat
 5. Pormohamadi
 6. Maleki
 7. Jahanbakhsh
 8. Asefi & Imani

تراکم و مساحت) بدنبال پاسخ به این سوال است که مسکن در جهان بینی اسلامی چه معنی و جایگاهی دارد؟ آیا در محدوده تحقیق (شهر مشهد) که بخشی از ساختار و کارکرد آن از ارزشهای دینی- مذهبی متأثر است، اصول معماری و شهرسازی ایرانی- اسلامی رعایت شده است؟ و این که کدام یک از معیارهای مورد بررسی در بافت و کالبد مناطق شهرداری مشهد بیشتر نمود یافته و اصول مورد بررسی را مورد تایید قراردادده است. برای پاسخ به سوالات و تحقق هدف، این مقاله از نرم افزاری معتبر بهره گرفته و با وزن دهی و ارزشگذاری، معیارها را مورد سنجش قراردادده است.

۲- مبانی نظری

بیشتر اسلام شناسان و محققان اسلامی، اسلام را دینی شهری می‌دانند که همواره اصول شهرنشینی و شهرسازی را تشویق می‌کند (امین پور^۱ و همکاران، ۱۳۹۴) از دیدگاه اسلامی شهر و مسکن آن فضای تفکر اسلامی متأثر از آموزه های دینی معنوی بوده است (توکلی نیا^۲ و همکاران، ۱۳۹۶) و از گذشته تا کنون تلاش شده است مسکن به گونه ای باشد که تمامی ابعاد کیفی روحی و روانی و فیزیکی را در گرفته و ضمن مطابقت با اصول و روش های معماری و شهرسازی ایرانی- اسلامی، پاسخگوی دو نیاز مادی (فضای فیزیکی و غیره) و معنوی (آرامش، حس تعلق و...) یک مسلمان نیز باشد (امین پور^۳ و همکاران، ۱۳۹۴). مشروط بر این که مسکن مبتنی بر فرهنگ اسلامی همچون توجه به اشرافیت، محرمیت، خلوت و فضاهای خصوصی برای تفکر و عبادت، رعایت اصولی همچون اعتدال و میانه روی و پرهیز از هرگونه خودنمایی و تفاخر طراحی و ساخته شوند (نقره کار^۴، ۱۳۹۴) دین اسلام از طریق ارزشها و اصول فرهنگی به کمک ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شیوه زندگی اسلامی را بازآفرینی می‌کند که در سازمان فضایی شهر و سکونتگاههای آن تبلور می‌یابد (خالدیان^۵ و همکاران، ۱۳۹۳) بنابراین رعایت ارزشها، اصول و اعتقادات جامعه ایران در ساخت و معماری مسکن از مهمترین عوامل هویتی شهرها و مسکن ایرانی - اسلامی بشمار می‌رود (نصر^۶، ۱۳۹۴). لذا عدم تقلید از نمونه های بیگانه و بی توجهی به نیازهای بومی- محلی و ایرانی - اسلامی از اصول مهم نهادینه کردن فرهنگ و ارزش های ایرانی- اسلامی می‌تواند باشد (ابوالقعد^۷، ۱۹۷۳). از آنجا که مسکن یکی از اصلی ترین ترین عامل هویتی فرد و جامعه است (نقی زاده^۸، ۱۳۹۶) باید اصول و ویژگی های آن بعنوان یکی از موضوعات مهم مطالعاتی مرتبط با معماری و شهرسازی ایرانی- اسلامی مورد توجه باشد. همچنین مسکن یکی از مهمترین عناصر و ویژگی های شهر ایرانی- اسلامی نیز هست (ضرغام فرد^۹ و همکاران، ۱۳۹۸) که بررسی و سنجش

- 1 . Aminpor
- 2 . Tvakolinia
- 3 . Aminpor
- 4 . Noghrekar
- 5 . Khaledian
- 6 . Nasr
3. Abu-Lughod
- 8 . Naghizadeh
- 9 . Zargham fard

وضعیت آن در اندیشه ها و آرای محققان ایرانی و اسلامی مورد تاکید بوده است. بنابراین این اندیشمندان معتقدند برای آنکه خانه ها مایه آرامش شوند، همواره تدابیر گوناگونی با طراحی مساکن به صورت درونگرا و برونگرا بارعایت سلسله مراتب دسترسی و جدا کردن عرصه های گوناگون زندگی توسط معماران و شهرسازان اندیشیده می شود (فرزانیار^۱، ۱۳۷۱) بطوریکه محققان فراوانی در دوران معاصر ابعاد معنوی و مادی مسکن را از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار داده اند. در دیدگاه وحدت گرای اسلامی نمی توان مسکن را منفک و جدای از دیگر پدیده ها و موضوعات مرتبط با زندگی انسان مورد بررسی قرارداد. از مهمترین موضوعات، توجه همزمان به عوامل کیفی و کمی در مسکن اسلامی در نظام شهری است. ویژگیهای کیفی عمدتاً مشتمل بر اموری است که یا به عنوان ویژگی مسکن و مکان زندگی در تعالیم اسلامی معرفی شده اند. یا اینکه به نحوی بر تجلی و ارتقا کیفیاتی که برای حیات انسان در این تعالیم مورد توجه بوده اند، تأثیر مثبت دارند. (نقی زاده^۲، ۱۳۹۱). در روایات اسلامی علی رغم تأکید بر سطوح کالبدی بر ابعاد معنوی نیز توجه شده و مسکن خوب و وسیع را مایه سعادت مسلمانان می داند. (پاینده^۳، ۱۳۶۲). بنابراین از دیدگاه ایرانی - اسلامی مسکن بعنوان کاربری مهم شهری، فضایی هویت بخش به ارزشهاست (امین زاده^۴، ۱۳۹۴). همچنین مسکن اسلامی فضایی است که موجب آرامش معنوی و معنویت در فضای زندگی شده و به نیازهای روحی مانند تفکر عبادت و تعالی روح ادمی را فراهم می کند (محمودی مهماندوست^۵، ۱۳۹۶). در چند دهه گذشته، در سایه سیاست های توسعه مسکن در ایران به ویژه در قانون برنامه سوم توسعه با اجرای طرح پاک (پس انداز، انبوه سازی و کوچک سازی) (منصور، ۱۳۸۶)، با توجه به اینکه تأمین خانه جای خود را به ایجاد سرپناه داد، تنها به ابعاد مادی ساخت و سازها و شاخص های کمی در کالبد پرداخته شد (پورمحمدی^۶ و همکاران، ۱۳۹۸) که ثمره ی آن ساخت پناهگاه ها و انبوهی از خانه های مسکن نما است که اصول و قواعد اسلامی در آن رعایت نشده و به آرامش و ابعاد روحی روانی خانواده به عنوان واحد جامعه ی اسلامی توجه کمتری شده است. مسکن و خانه بعنوان اولین فضای تعامل اجتماعی خانواده از یک سو با کمبود و فقدان معیارهای کیفی بویژه در کلانشهرهایی همچون مشهد همراه شده و از سوی دیگر با بی توجهی به درونگرایی و جایگزینی نخوت و غرور به جای نجابت و خودنمایی و عربانی به جای حیا در کالبد مساکن، مشکلات تداوم پیدا کرده و ناتوان از مقاومت و حفظ هویت روندی سوداگرانه به دور از معماری ایرانی - اسلامی در پیش گرفته است (نصر^۷، ۱۳۹۴). از دیدگاه توسعه پایدار شهری وجود روابط فضایی متعادل بین اجزا محیط (شهر) مهم است (سرای^۸، ۱۳۹۹) همچنین توجه به پایداری بخش مسکن جز اساسی ترین وجوه توسعه شهری است (میرکتولی^۹ و همکاران، ۱۳۹۵). برخی صاحب نظران معتقدند

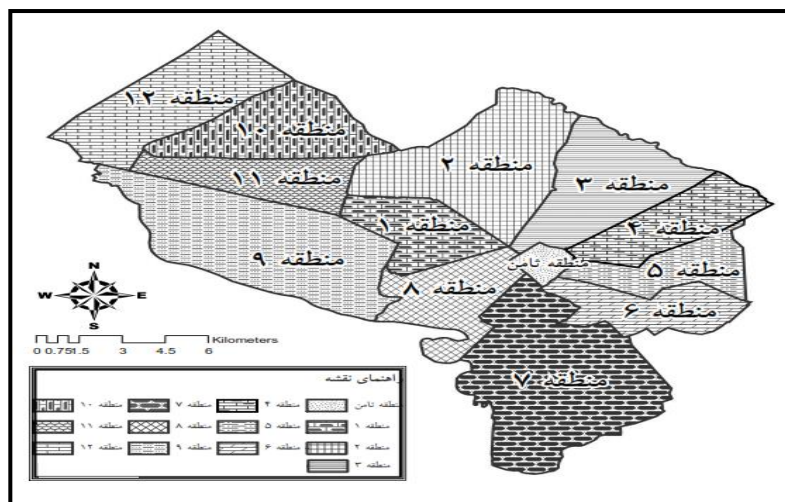
1. Farzanyar
2. Naghizadeh
3. Payandeh
4. Aminzadeh
5. Mahmodi mehmandoost
6. Pormohamadi
7. Nasr
8. Saraie
9. Mirkatoli

با ورود فناوری و نوآوریها در طراحی شهری به ویژه شهرهای جدید بیشتر شهرهای اسلامی از این جریان متاثر و بنیان مسکن اسلامی در گذر زمان از اصول و سنت خود فاصله گرفتند و مسکن مدرن را جایگزین مسکن با معیارهای ایرانی- اسلامی کردند(ضرغام فرد^۱ وهمکاران، ۱۳۹۸). بنابراین عمده دیدگاههای محققان ایرانی و اسلامی بر کارکردهای معنوی(ارامش روانی و...) و مادی (تامین مسکن شایسته و غیره) تاکید دارند و هویت بخشی در ساخت مسکن ایرانی- اسلامی را مهم ارزیابی می کنند.

۳- معرفی منطقه تحقیق

منطقه و محدوده تحقیق کل بافت و بخش کالبدی کلانشهر مشهد است که بر اساس منطقه بندی طرح جامع شهری به ۱۳ منطقه شهرداری تقسیم بندی و در این تحقیق، مبنای ارزیابی و سنجش معیارهای مسکن مطلوب قرار گرفته است. در شکل ۱ منطقه ثامن بعنوان منطقه ۱۳ در نظر گرفته شده است.

شکل ۱- مناطق ۱۳ گانه مشهد در سال ۱۳۹۶



منبع: اتقایی^۲ و پبيله ور، ۱۳۹۵

۴- روش تحقیق

در این پژوهش روش تحقیق توصیفی-تطبیقی و توصیفی-تحلیلی بوده و نوع آن کاربردی است. جمع آوری داده ها بصورت اسنادی از طریق پرسش از متخصصان بوده است. با استفاده از داده های اسنادی و با رویکردی معنوی (اتکا به متون معتبر مانند آیات و روایات اسلامی) و مادی (رجوع به داده های فضایی -کالبدی) ابعاد مختلف مسکن ایرانی- اسلامی بررسی و اصول و معیارهای مطلوب بیان شده است. اصولا با الگوسازی و مدل سازی می توان به تغییرات در حوزه مسکن و کاربری اراضی شهری پی برد و به تصمیم سازی و تصمیم گیری آگاهانه تر کمک کرد(اسمعیل پور^۳ و همکاران، ۱۳۹۸) لذا برای الگوسازی و تصمیم الگوی مسکن ایرانی- اسلامی نیاز به معرفی یک شهر یا منطقه شهری به عنوان الگو بود تا سایر مناطق به الگو برداری از آن منطقه ترغیب

1 . Zargham fard
2 . Atghai
3 . Esmailpor

شوند. در این تحقیق برای تعمیم الگوی مطلوب، یک منطقه از مناطق ۱۳ گانه شهر مشهد که بیشترین نزدیکی به مولفه های تعیین شده داشتند به عنوان منطقه الگو تعیین و سایر مناطق را با الگوی تعیین شده تطبیق داده شد. با استخراج مولفه های مسکن ایرانی - اسلامی ۱۱ شاخص هویت، اعتدال، دوری از بیهودگی، دوری از کبر، رعایت سلسله مراتب، حیاط مرکزی داشتن، درونگرایی، امنیت، حیا، تراکم و مساحت تعیین و به شرح ذیل تبیین شده و از طیف لیکرت استفاده و با کمک نرم افزار Expert choice وزن دهی و ارزشگذاری انجام شد. بعد لایه هابصورت رقومی وارد سیستم اطلاعات جغرافیایی شده و منطقه الگو به نمایش درآمد و تحلیل های پژوهش ارائه شده است.

۱-۴- داده های تحقیق

هویت

هویت، تشخیص ویژگی یک شخص یا یک چیز می باشد. لینگ هویت را به عنوان یک شاخص که یک فرد می تواند یک مکان را به عنوان مکانی مجزا از سایر مکان ها تشخیص دهد تعریف می کند (اکتای^۱، ۱۹۹۸). هویت در جهان بینی اسلامی باید نشان از خودباوری و عزت جامعه باشد. هویت شهری مقوله ای کالبدی- معنوی و ناشی از شکل کلی و فرم شهر است. هویت شهری حاصل کنش و واکنش عین و ذهن است (پیران^۲، ۱۳۸۴). جلوه های بارز هویت شهرهای تاریخی ایران را در وجوه مختلف از جمله هویت کالبدی، عملکردی، تاریخی، فرهنگی، انسانی و . . . می توان از یکدیگر تمیز داد و هویت کالبدی در این شهرها عموماً از جهت سادگی، ارجحیت معنویت بر مادیت، وحدت کالبدی (وحدت در عیت کثرت)، درونگرایی، هماهنگی و زیبایی به سهولت تمیز داده می شوند (نقی زاده^۳، ۱۳۸۷). امروزه هویت کالبدی در مسکن جای خود را به هویت کاذب مادی و فردگرایی داده است، همچون ساختمان های مدرن که مشخصه ی فرهنگ مدرن به ویژه فرهنگ غربی می باشند، در همه ی شهرها و مناطق مختلف دنیا گسترش یافته است (لی^۴ و همکاران، ۱۳۷۵).

رعایت اعتدال و توجه به عدالت اجتماعی

عدل به معنای داشتن تناسب در مقابل بی تناسبی است که همواره باعث می شود جسم متعادل تر شده و نیکوتر به نظر آید. بنابراین اساس طبیعت بر مبنای تناسب ها و اندازه های ویژه ای پیریزی شده است و در نظامی خاص، جریان تکوینی جهان را شامل می شوند. در چند دهه اخیر مشکلات توزیع نامناسب خدمات شهری یکی از پیامدهای رشد سریع شهرنشینی و شهرسازی معاصر و زمینه ساز نابرابری اجتماعی در شهرهای ایران بوده است (خاکپور^۵ و همکاران، ۱۳۹۷). بطوریکه این عدم تعادل در فضا، سیما و منظر مساکن شهری نمایان است. در مساکن سنتی دیوارهای خانه از بیرون یک دست است که در سرتاسر بنا امتداد دارد و در آن منفذی به غیر از درب منازل به چشم نمی خورد و تمام درهای ورودی در شکل خارجی یکسان هستند، خواه در داخل

- 1 . Octay
- 2 . Piran
- 3 . Naghizadeh
- 4 . Lee
- 5 . Khakpor

آن‌ها ثروتمند زندگی کند یا فقیر، از این جهت که اشخاص فقیر به واسطه دیدن سردرهای آراسته اغنیاء حسرت نخورند (عکاش^۱، ۱۳۷۸).

اصل دوری از بیهودگی

تاکید بر اصل دوری از اسراف و تبذیر در فرهنگ اسلامی با توجه به معنای وسیع این دو واژه سبب شده که اصل دوری از بیهودگی در معماری ایرانی اسلامی، جایگاه خاصی داشته‌باشد (وزارت مسکن و شهرسازی^۲، ۱۳۷۴). تزئینات و فضا سازی بنا به صورتی که نمود طاغوتی داشته باشد از این اصل به دور است، همچنین در مورد مصالح ساختمانی، استفاده از مصالح بومی و قابل بازیافت و به صورت پایدار، بر اصل دوری از اسراف تأکید دارد. دوری از تفاخر و خودنمایی در نما و مصالح بکار رفته در ساخت مسکن نیز نشان‌دهنده‌ی توجه بافت‌ها و مسکن قدیمی به این اصل است. برای آنچه که امروزه تحت عنوان توسعه پایدار شهری مطرح است استفاده از مصالح‌های بومی و دوری از اسراف است. (نقی‌زاده^۳، ۱۳۸۷).

دوری از کبر

این موضوع در واقع به همراه احتراز از خودستایی و تحقیر دیگران، یکی دیگر از موضوعاتی است که در شکل‌گیری کالبد شهرها و مسکن مسلمانان تأثیر بسزایی داشته‌است (همان، ۱۳۸۷). این اصل بایستی در نمای بیرون خانه نیز رعایت گردد. اسلام با صرف هزینه‌ی بیش از حد برای تزئینات و مصالح گران‌قیمت به منظور خودنمایی و متمایز کردن از سایر مسکن، به شدت مخالفت کرده‌است. (هشام^۴، ۱۳۸۷).

رعایت سلسله مراتب

سلسله مراتب ورود در مسکن اسلامی با تعبیر سلسله مراتب حضور و محرمیت شناخته می‌شود. مکان دارای معنایی است که رسیدن به کلیت آن تنها با دیدن مرحله‌وار و تفکر در آن بدست می‌آید (محمدیان^۵، ۱۳۸۶). اصل سلسله مراتب که ارتباط بین قلمروهای مختلف محیط زندگی را از عمومی تا خصوصی (عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی، خصوصی) تعریف و تعیین می‌کند به دلیل ویژگی‌های مسکن که آن را حرم نامیده‌اند از اهمیت خاصی برخوردار است. در رابطه با مسکن، سلسله مراتب را می‌توان در دو درجه‌ی بیرونی و درونی مورد بررسی قرار داد. سلسله مراتب بیرونی به ارتباط داخل مسکن با سایر فضاها و عملکردهای پیرامون آن می‌پردازد، در حالی که سلسله مراتب درونی بر تبیین ارتباط عناصر داخل مسکن با یکدیگر متمرکز می‌باشد (نقی‌زاده، ۱۳۹۱) و حریم زندگی محسوب می‌شود (دیبا^۶، ۱۳۷۷). بر اساس و طبق هنر ایرانی-اسلامی، مسکن معمولاً دارای یک ورودی و ورودی خانه‌ها گاهی به طور مستقیم به سکونتگاه‌های خانه متصل نمی‌شد.

- 1 . Akkash
- 2 . Ministry of housing & urbanization
- 3 . Naghizadeh
- 4 . Hosham
- 5 . Mohamadian
- 6 . Diba

بلکه به یک هشتی و یا راهی با پیچش راست‌زاویه می‌رسید تا از درب خانه، حیاط آن قابل رویت نباشد (میشل^۱، ۱۳۸۰).

عنصر حیاط مرکزی

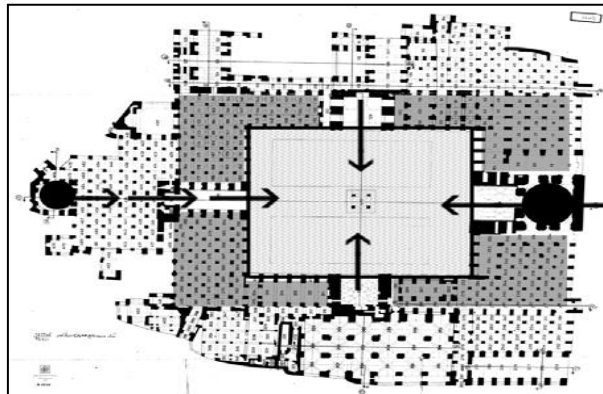
حیاط یا میان‌سرا کثرت‌ها را وحدت می‌بخشد و به عنوان مهم‌ترین ویژگی مسکن سنتی است و قرار گرفتن فضاهای اطراف حیاط نیز بسته به موارد استفاده از آن در فصول چهارگانه نظم ویژه‌ای دارد و در این نظام، قلب خانه، حیاط است که به شکل مستطیل خوش تناسب در امتداد محور شمالی-جنوبی متمایل به شرق است. بنابراین جهت‌گیری خانه به سمت قبله می‌باشد که به خانه تقدس می‌بخشد (قرلباش^۲، ۱۳۶۴). لی‌شیپ‌من در بررسی‌های خود در مورد مسکن اسلامی می‌نویسد "هر جایی در شهر اسلامی مملو بود از خانه‌های حیاط‌دار با هر اندازه و شکلی و مهم‌ترین واحد سکونتی شهر اسلامی، خانه حیاط‌دار بود" (شیپمن^۳، ۱۹۹۹) عنصر حیاط آن چنان در شهرهای مختلف مسلمین تکرار شد که اکثراً آن را به عنوان یکی از نشانه‌های بارز شهر اسلامی قلمداد می‌نمایند و علاوه بر اینکه ارتباط ساکنین خانه را با طبیعت تضمین می‌نمود، به صورت فرمی یگانه و بهترین پاسخ به شرایط اقلیمی، توانسته بود نیاز یک خانواده مسلمان را به حریمیت به نحو احسن تأمین نماید (امین‌زاده^۴، ۱۳۷۹).

درون‌گرایی

این اصل، برگرفته از عناصر تاریخی معماری ایران است که اکثر قریب به اتفاق عناصر شهری و معماری مظهر آن بوده‌اند. این شیوه‌ی معماری، علاوه بر اینکه به‌طور نمادین، توجه انسان به خدا و پشت کردن به دنیا را به نمایش می‌گذارد، نمایشی از پاسخ به سیر در نفس و درون خویش است (شکل ۲). همچنین بسیاری از ارزش‌های اسلامی نیز در درون‌گرایی نهفته است، همچون توجه به باطن بیش از ظاهر، توجه به حیا، عدم تفاخر و ریا و خودنمایی، پرهیز از برهنگی و خودآرایی، تقویت وحدت جامعه و نمایش وحدت کالبدی مسکن (خیرآبادی^۵، ۱۳۷۷). مثلاً در تونس پوشیدگی خانه از طریق بلندی پنجره‌ها و درونگرا بودن خانه‌ها تأمین شده است. در بسیاری از شهرهای اسلامی، منبع تأمین نور خانه‌ها، درون‌گرایی و تعبیه پنجره‌های شبکه‌بندی شده، درها و ورودی‌های اختصاصی، مسئله حریمیت و جدایی‌گزینی جنسیتی را نشان می‌دهد (دادلی^۶، ۱۹۸۸).

1. Mishel
2. Ghazelbash
3. Shipman
4. Aminzadeh
5. Khairabadi
6. Dadle

شکل ۲- درون‌گرایی در کالبد مسکونی

منبع: وثیق^۱ و پشتونی زاده، ۱۳۸۹

امنیت

همواره تراکم مسکن و فعالیتها در محدوده شهری تنوع بخش و در احساس امنیت در فضاهای شهری موثر بوده است (حسین آبادی^۲ و همکاران، ۱۳۹۹). مسکن مطلوب بایستی به گونه‌ای باشد که درجات مختلف امنیت را برای ساکنین خود فراهم سازد. بارزترین مصادیق امنیت‌ها، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی و روحی-روانی است (هابیتات^۳، ۲۰۰۶) و بایستی به گونه‌ای باشد که امنیت اخلاقی شهروندان تأمین گردد و احساس آرامش را به آنها القاء کند (نقی زاده^۴، ۱۳۸۷). این امنیت اعم از امنیت در مقابل بلایا و سوانح طبیعی و غیرطبیعی، امنیت در برابر تجاوزات سایر آحاد جامعه، امنیت در برابر اثرات ناشی از فعالیت‌های انسانی، امنیت روانی، امنیت فرهنگی و سایر جنبه‌های امنیت می‌باشد. (نقی زاده، ۱۳۸۵) به منظور تأمین امنیت از دیدگاه کالبدی، سیاست‌هایی از جمله انتخاب مصالح مناسب نه لزوماً گران‌قیمت، اتخاذ روش‌های فنی و مناسب ساخت مطرح می‌باشد. از دیدگاه اسلام، به منظور تأمین امنیت خانوارهای ساکن در واحدهای مسکونی، بایستی با استفاده از مصالح ساختمانی مناسب و البته بومی، به ساخت مسکنی برای تأمین آرامش اعضای خانواده پرداخت.

تعادل در تراکم و تعداد طبقات

ارتفاع و تعداد طبقات واحدهای مسکونی در شهرهای اسلامی محدود بوده‌است و در حد امکان ارتفاعات و طبقات پایین در نظر می‌گرفتند تا هماهنگی و بحث مربوط به اصول بهداشتی و تابش خورشید حفظ شود. ارتفاع، ترکیب و تفاوت در مقام خطوط شکل‌دهنده و هرآنچه بنا را به گونه‌ای نامتجانس و بی‌تناسب نسبت به پیرامون، طبیعت و شهر، متفاوت بروز دهد در اصول معماری اسلامی نکوهیده شده‌است. به طور کلی بناهای بلندمرتبه که سود عمده‌ای برای جامعه نداشته باشند منع شده‌اند (وثیق^۵ و پشتونی زاده، ۱۳۸۹). همچنین ارتفاع و زائده‌های مرتفع ساختمان که شامل ملحقات آن می‌شود می‌تواند برای منازل مسکونی دیگر مزاحمت ایجاد

- 1 . Vasigh
- 2 . Hosin abadi
- 3 . Habitat
- 4 . Naghizadeh
- 5 . Vasigh

کند. شریعت اسلامی ارتفاع خاصی برای ساختمان‌ها تعیین نکرده است اما نباید اصولی چون حریمیت و اشرافیت خدشه‌دار گردد (هشام^۱، ۱۳۸۷).

مساحت قطعات

وسعت قطعات زمین از نظر مسائل ایمنی قابل توجه است، زیرا که وسعت کم، موجب افزایش تراکم و شلوغی بیش از حد می‌گردد که این مسائل به نوبه خود مردم را در معرض خطرات ناشی از آتش‌سوزی، شیوع بیماری‌ها و بلایای طبیعی قرار می‌دهد (لاکویان^۲، ۱۳۶۴). با توجه به اینکه اسلام به تامین امنیت انسان، به عنوان اشرف مخلوقات تاکید می‌نماید، بنابراین بایستی زمینه‌های خطر و هرگونه گزند را از وی دور کند تا بتواند به آرامش برسد.

پوشیدگی و حیا

مروری اجمالی بر کالبد و سازمان فضایی و اشکال و سلسله مراتب در بافت‌های تاریخی، اصل پوشیدگی و حیا را بیان می‌نماید. می‌توان گفت حجب و پوشیدگی خانه مسلمانان، از ویژگی‌های شهر اسلامی است که در نقاط مختلف دنیا، براساس فرهنگ، رسوم محلی، مصالح و ابزار موجود، به شیوه‌های گوناگون رخ می‌نماید. کالبد در بافت‌های تاریخی نه تنها از برهنگی و عریانی و نمایش خویش برای بیگانه بری بود که حتی زمینه‌ی تحریکات مادی یا خودنمایی و خودستایی را برای تحقیر انسان و دیگران را به حداقل رسانده بود (نقی زاده^۳، ۱۳۸۷). خانه‌ها تقریباً همواره در یک سطح بود و شهر شامل مجموعه‌ای از خانه‌ها می‌شد که نمای بیرونی آن‌ها شکل فضای داخلی یا اهمیت آن را نشان می‌داد (لئوناردو بنه‌ولو^۴، ۱۳۶۹). خانه‌های سنتی در نظام اسلامی دارای حرمت و محریمیت هستند. در زندگی فرد مسلمان بیش‌تر به ابعاد درونی و معنوی در مقایسه با ابعاد بیرونی و مادی تاکید می‌شود (قزلباش^۵، ۱۳۶۴). همچنین ورودی خانه‌ها ال شکل بود و خیلی به ندرت در خروجی به خیابان اصلی باز می‌شد به دلیل اینکه درون خانه‌ها مستقیماً قابل دیدن نباشد اهمیت خانواده در اسلام و تأکید بر حفظ حرمت خانواده یکی از عوامل بسیار مهمی بود که سبب درون‌گرایی محله‌های مسکونی شد (سلطان‌زاده^۶، ۱۳۷۲). مسکن به عنوان محل امن و آرامش خانواده بایستی به گونه‌ای مناسب، از مشرف قرار گرفتن در امان بماند. (حسین زاده^۷، ۱۳۹۲).

1. Hosham
2. Lakoian
3. Naghizadeh
4. Leonardo benvelo
5. Ghezlbash
6. Soltanzadeh
7. Hosianzadeh

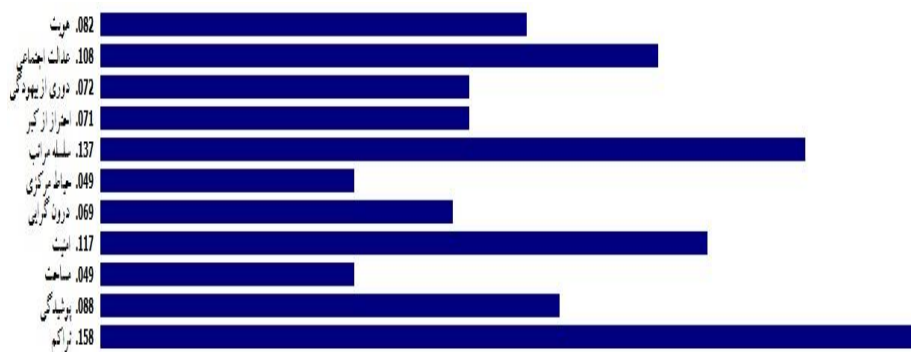
۵- یافته های تحقیق

مسکن ایرانی-اسلامی براساس معیارهای انتخابی وبه منظور تعیین منطقه نمونه در شهر مشهد بررسی و مورد سنجش قرار گرفت. تک تک مؤلفه های مسکن ایرانی - اسلامی در مناطق سیزده گانه شهر مشهد با توجه به طیف لیکرت که مقادیر بین یک تا پنج (از خیلی ضعیف تا خیلی خوب) را در بر می گیرد، امتیاز دهی شد و در نهایت این لایه ها به صورت رقومی وارد سیستم اطلاعات جغرافیایی شد. با توجه به اینکه مؤلفه های مسکن ایرانی- اسلامی از اهمیت یکسانی برخوردار نمی باشند. لذا به منظور وزن دهی به این معیارها از نرم افزار Expert choice استفاده شد که نتایج به دست آمده مطابق جدول ۱ و شکل ۳ ارائه شده است. (جدول ۱ و شکل ۳).

جدول ۱- وزن شاخص های ۱۱ گانه در اصول معماری اسلامی

شاخص	هویت	عدالت اجتماعی	دوری از بیهودگی	دوری از غرور	سلسله مراتب	حیاط مرکزی	درونگرایی	امنیت	مساحت	پوشیدگی	ارتفاع و تراکم
مقدار	۰/۸۲	۰/۱۰۸	۰/۷۲	۰/۷۱	۰/۱۳۷	۰/۰۴۹	۰/۶۹	۰/۱۱۷	۰/۰۴۹	۰/۰۸۸	۰/۱۵۸

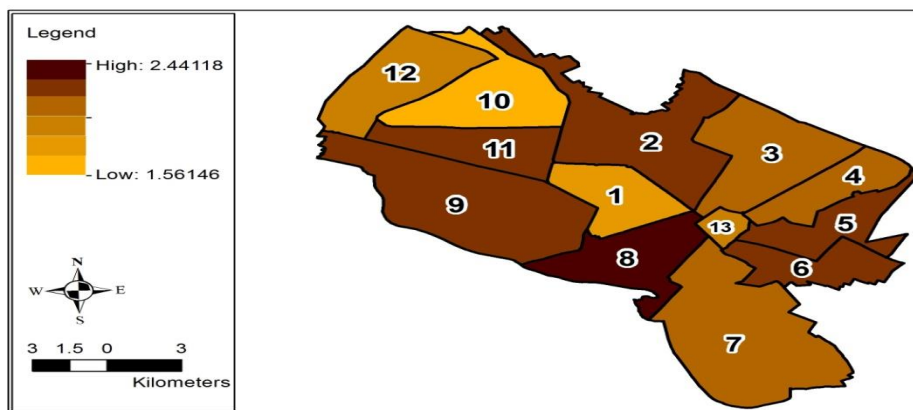
شکل ۳- محاسبه وزن ها در Expert choice



شکل ۳ بیانگر وزن قابل توجه معیار تراکم به ارزش ۱۵۸ است و سازگارترین معیار با معیار مطلوب مسکن ایرانی- اسلامی می باشد. همچنین وزن رعایت سلسله مراتب با ارزش ۱۳۷ رتبه دوم در بین مناطق شهری مشهد از نظر همخوانی معیارهای مورد مطالعه با مطلوبیت مسکن در شهر مشهد بوده است. در مراتب بعدی میزان همخوانی معیارها مورد تحقیق با به ترتیب امنیت، عدالت اجتماعی، پوشیدگی و حیا، هویت، دوری از بیهودگی، احتراز از کبر و درونگرایی به ترتیب با وزن ۱۱۷، ۱۰۸، ۰/۸۸، ۰/۸۲، ۰/۷۲، ۰/۷۱، ۰/۶۹ و کمترین سهم و وزن به دو معیار حیاط مرکزی داشتن و مساحت با وزن ۰/۴۹. دورترین فاصله را با معیار مطلوب در مسکن ایرانی - اسلامی تعلق گرفته است. وزن های به دست آمده در لایه های موثر در مکان یابی منطقه نمونه ضرب و ادغام لایه های وزن دار در Raster calculator منطقه نمونه و الگو از نظر مؤلفه های مسکن ایرانی - اسلامی از میان مناطق ۱۳ گانه شهر مشهد مطابق شکل ۴ مشخص شده است. شکل ۴ بیانگر تمرکز بیشترین

ارزش و تطبیق وضع موجود با معیارهای مطلوب براساس معیارهای ایرانی- اسلامی در منطقه ۸ شهری مشهد است. و یافته های تحقیق نشان از الگو بودن و مطلوبیت مسکن منطقه ۸ بر مبنای معیارهای ایرانی اسلامی است. در مراتب بعدی مطابقت و همخوانی معیارها به ترتیب در مناطق ۹، ۱۱، ۲، ۵ و ۶ قرار دارد. در حالی که دورترین و بیشترین فاصله از معیارهای مسکن ایرانی - اسلامی در منطقه ۱۰ و اقرار گرفته است. در مراتب بعد دوری از معیارها منطقه ۱۳ (منطقه ثامن)، ۱۲، ۷، ۴ و ۳ قرار گرفته اند (شکل ۴).

شکل ۴- وزن و سهم مناطق ۱۳ گانه مشهد در مکانیابی منطقه الگوی مسکن ایرانی- اسلامی



پژوهشگران متعددی بر اساس تعالیم اسلامی و اصول معماری و شهرسازی در بحث مسکن ویژگیهای مسکن ایرانی - اسلامی را مورد ارزیابی و تحلیل قرار داده اند. فضای شهر ایرانی- اسلامی و عناصر آن مانند مسکن در تحقیقات خالدیان^۱ و همکاران (۱۳۹۳) نقره کار^۲ (۱۳۹۴) امین زاده^۳ (۱۳۹۴) امین پور^۴ و همکاران (۱۳۹۴) اصفی^۵ و ایمانی (۱۳۹۵) جهان بخش^۶ و همکاران (۱۳۹۶) توکلی نیا^۷ و همکاران (۱۳۹۶) مورد توجه بوده است. این تحقیقات بطور عمده به بررسی تطبیقی و تحلیلی ویژگیها، ارزشها و اصول شهر ایرانی- اسلامی و عنصر مهم مسکن پرداخته اند. از دیدگاه این محققان مسکن ایرانی- اسلامی با معیارهای معنوی (حرمت، هستی، هویت و...) و مادی (ساختار و کالبد و...) در ارتباط مستقیم بوده و علی رغم پیوند عمیق بین عناصر مادی و معنوی در شهر ایرانی - اسلامی، لکن عناصر شهری بویژه مسکن در چند دهه اخیر در مواجهه با سبک زندگی، الگوی برنامه ریزی شهری جدید و رویکرد تقلیدی به معماری و شهرسازی معاصر، ناتوان از مقاومت و حفظ هویت از یک سو و ارایه الگوی متناسب با اصول و ارزشهای ایرانی (اعتدال، کمال، وحدت، روشنی، متانت و...) (اسلامی (حیا، حرمت، امنیت، هویت جمعی و...) بوده اند. این تحقیقات به بیان کلی از اصول و معیارها در شهر پرداخته و مطالعه موردی و بررسی عمیق که منجر به ارایه الگوی سازگاری با معیارها باشند، نداشته اند. اما تحقیق حاضر با انتخاب ۱۱ شاخص (هویت، اعتدال، دوری از بیهودگی، دوری از کبر، رعایت سلسله مراتب،

1. Khaledian
2. Noghredagh
3. Aminzadeh
4. Aminpor
5. Asefi
6. Jahanbakhsh
7. Tavakolinia

حیاط مرکزی داشتن، درونگرایی، امنیت، حیا، تراکم و مساحت) و بررسی تطبیقی آنها با وضعیت ساختاری-کارکردی کلانشهر مشهد به کمک مدل و نرم افزارهای مرتبط با موضوع تحقیق، ضمن سنجش مولفه های مسکن ایرانی-اسلامی در ساختار شهر مورد مطالعه، میزان تطابق و عدم تطابق معیارهای انتخابی را به نمایش گذاشته و در نهایت یکی از مناطق (منطقه ۸ مشهد) شهری را الگوی سازگار با مسکن ایرانی-اسلامی معرفی کرده است. بطوریکه نتایج نشان می دهد مؤلفه های مسکن ایرانی-اسلامی در مناطق مختلف شهر مشهد که از آن به عنوان پایتخت معنوی ایران یاد می شود، رعایت نشده و از مشخصه های مسکن ایرانی-اسلامی فاصله دارد. بطور مثال معیار تراکم با وزن ۱۵۸ سازگارترین معیار و مساحت با وزن ۴۹، دورترین فاصله را با معیار مطلوب در مسکن ایرانی-اسلامی داشته است. دیگر یافته ها بیانگر این است که تنها منطقه ۸ شهرداری مشهد با داشتن نیمی از شاخصهای مورد تحقیق بیشترین مطابقت را دارد و با داشتن بالاترین ارزش به مقدار ۲/۴۴ در بین سایر مناطق از نظر مشخصه مسکن ایرانی-اسلامی قابل قبول بوده است. لذا منطقه ۸ در مقایسه با سایر مناطق شهر مشهد از نظر مطابقت با مؤلفه های مورد مطالعه، برتر تشخیص داده شد و منطقه ۱ و ۱۰ دارای کمترین ارزش به مقدار ۱/۵۶ و بیشترین فاصله را از مؤلفه ها و مشخصه های مسکن ایرانی-اسلامی بوده است.

۶- نتیجه گیری

در تعالیم دینی و اسلامی مسکن پیش از آنکه مفهومی فیزیکی داشته باشد، معنای متافیزیکی آن مدنظر است و بایستی تامین کننده آرامش روحی و روانی خانواده باشد. همواره در فرهنگ ایرانی-اسلامی معیارهای کمی و کیفی و معیارهای مادی و معنوی مسکن مورد توجه بوده است. در تحقیق حاضر پس از استخراج مؤلفه های مسکن ایرانی-اسلامی از مبانی نظری، به کمک سیستم اطلاعات جغرافیایی به بررسی وضعیت مناطق ۱۳ گانه شهر مشهد پرداخته و از بین مناطق کلانشهر مشهد، منطقه ۸ بیشترین مطابقت و همخوانی با معیارهای تحقیق در مسکن ایرانی-اسلامی داشته است. نتایج نشان می دهد مؤلفه های مسکن ایرانی-اسلامی در بیش از ۷ منطقه کلانشهر مشهد که از آن به عنوان پایتخت معنوی ایران و دومین کلان شهر مذهبی جهان یاد می شود، رعایت نشده اند و مناطقی که از این ویژگی ها برخوردار بوده اند نیز دستخوش تغییرات مداوم شهری شده اند. منطقه ۱۳ (ثامن) که پیرامون حرم مطهر می باشد از جمله مناطق ناسازگار با مؤلفه های مسکن ایرانی-اسلامی است. که با تخریب ها و بازسازی های فراوان، ویژگی ها و ارزش های ایرانی-اسلامی را در زمینه مسکن با افراط در بکارگیری شیوه های غربی و بیگانه، به نازل ترین حد خود رسیده است. از میان مناطق شهر مشهد تنها منطقه ۸ شهرداری را می توان به عنوان یک منطقه الگوی مسکن ایرانی-اسلامی یاد برد، یعنی مسکن آن بیش از نیمی از ویژگی های یک مسکن مطلوب و منطبق با معیارهای ایرانی-اسلامی را شامل می شوند و می تواند الگوی مناسبی برای سایر مناطق باشد. لذا می توان به عنوان یک منطقه الگو به منظور تعمیم و گسترش ارزش ها و الگوی مسکن ایرانی-اسلامی تعیین و معرفی کرد. در مراتب بعدی پس از آن مناطق ۲، ۹ و ۱۱ به عنوان سایر گزینه های سازگار با مسکن ایرانی-اسلامی در بین مناطق مطرح می شوند. بنابراین با توجه به جایگاه کلانشهر

مذهبی مشهد رعایت اصول و معیارهای ایرانی- اسلامی در معماری و شهرسازی بیش از پیش مورد توجه و تاکید است و تقویت ارزشهای مادی و معنوی مسکن اسلامی در این کلانشهر و دوری از تقلید الگوهای غربی راهبرد منطقی به نظر می‌رسد. جریان ضعف اصالت و هویت مسکن ایرانی- اسلامی و نبود آرامش و ثبات روانی، کاهش ضریب امنیت، رویکردهای سرمایه‌ای و اقتصادی به مقوله مسکن به جای رویکرد ارزشی اصول و معیارهای اسلامی را در ساخت مسکن ایرانی به حاشیه برده است. با این روند بازاندیشی در سیاستگذاری و نظام برنامه ریزی مسکن الزامی به نظر می‌رسد.

پیشنهاد های عملی و کاربردی موثر برای تحقق اصول و معیارهای شهرسازی و معماری ایرانی - اسلامی می‌تواند این باشد که در گام نخست فعالیتهای فرهنگی با هدف معرفی ویژگی های مسکن مطلوب ایرانی- اسلامی از سوی نهادهای مجری مثل شهرداریها و کمیسیون ماده ۵ استانها و نهادهای سیاستگذار مثل وزارت راه و شهرسازی و شورای عالی معماری و شهرسازی انجام شود. در گام دوم توجه ویژه به آموزشهای دانشگاهی برای تربیت مهندسان معمار و شهرساز بومی گرا در دستور کار کمیته معماری و شهرسازی وزارت علوم باشد. تا با تغییر سرفصلها دروس دانشگاهی مرتبط در این روند موثرتر عمل شود. در گام آخر می‌توان به کوشش لازم و کافی برای سوق دادن ذهنی و فکری جامعه ایران اسلامی به سوی فهم مسکن ایرانی - اسلامی اشاره کرد تا در کنار تلاش معماران و شهرسازان موثرتر به سوی رعایت اصول شهرسازی و معماری ایران- اسلامی رهنمون شد.

References:

- Abu-Lughod, J. (1973). Cairo: Perspective and Prospectus. In Brown, L. Carl (Ed.). From Madina to Metropolis: Heritage and Change in the Near Eastern City. The Darwin Press. Princeton, New Jersey.
- Aminpour, A. Madani, R. Hayati, H. Deldadeh, M. A. (2015). Recognition of Housing and Housing Concepts Based on Islamic Teachings, *Urban Management*, 40 (14) 47-59, (in Farsi).
- Aminzadeh, B. (2000). The Principles of Security in the Islamic City, *Research Quarterly*, 4, 40-52, (in Farsi).
- Aminzadeh, B. (2015). Values in Urban Landscape Design, University of Tehran Press, Tehran.
- Akash, S. (1999). The manifestation of world order and its mapping in traditional Islamic architecture. Translated by: Khan Mohammadi Ali Akbar, *Safeh Magazine*, 28,9, (in Farsi).
- Asefi, M. Imani, E. (2016). Redesigning Contemporary Iranian-Islamic Designed Housing Design Patterns, Qualitative Evaluation of Traditional Houses, *Journal of Islamic Architectural Research*, 11 (4), 56-73, (in Farsi).

- Atghaei, H. , Pilehvar, A. A. (2017). Designing Integrated Urban Management Pattern for Metropolises, Case Study: Mashhad. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 9(17), 285-301,(in Farsi).
- Dudley,W. (1998). Guest Edition Lim Cities, Volum15, No. 3, March.
- Diba, H. Ardalan, A. (1998). Report of a Visit, *Abadi Quarterly*, 27 and 28,(in Farsi).
- Esmailpour, F. , Saraei, M. , Rezaei, M. , Esmailpour, N. (2019). Prediction of Land Use Change and Determination of Urban Growth Patterns Using Markov Chain Model and Multi-Chip Satellite Images: A Case Study of Arak City. *The Journal of Geographical Research on Desert Areas*, 7(1), 113-147,(in Farsi).
- Ghezelbash, F. Aboulzia, M. R. (1985). Alphabet of Traditional Houses of Yazd, Ministry of Planning and Budget.
- Habitat,(2006). The Habitat Agenda, Istanbul Declaration on Human Settlements-1996. june UN-HABITAThttp://www. unhabitat. org/downloads/docs/2072 61331 ist dec. pdf. website accessed Sep. 2010.
- Hatami Nejad, H. Seifeddini, F. Mir, M. (2006). Investigation of Unofficial Housing Indicators in Iran. Case Study: Sheikh Abad Neighborhood of Qom, *Geographical Research Quarterly*, 58, 129-145,(in Farsi).
- Hisham, M. (2008). Traditional Principles of Construction in Islam, Translated by Abolfazl Meshkini and Kiomars Habibi, Publishing Center for Urban Studies and Architecture, First Edition, Tehran.
- Hossinzadeh ,A. Poyan,A. A. Mousavi,E. (2013). The identity of culture and tradition is a model for compiling spatial belonging to Iranian houses, National Conference on Architecture, Urban Planning and Sustainable Development with a focus on indigenous architecture to sustainable cities,Mashhad.
- Hossein Abadi, S. , Pour Mohammadi,, M. , Mousavi, M. (2020). An analysis of the relationship between walkability and social sustainability: A case study of the city of Sabzavar. *The Journal of Geographical Research on Desert Areas*, 8(1), 187-214,(in Farsi).
- Jahanbakhsh, H. Lotfi Pour, M . Zakipour, N. (2018). A Study of the Transformation of the Nature of the Territory of Kinship, Public from Iranian-Islamic to Contemporary Iranian Cities, *Quarterly Iranian-Islamic Studies*, 31 (8). 41-31,(in Farsi).
- Khaledian, S. Karimian. H, Pour Ahmad, A. Mazaherian, H. (2014). Explaining Islam's Position in Urbanization Process and Iranian Urban Space Organization, *Iranian-Islamic Studies Quarterly*, 17 (5), 5-18,(in Farsi).
- Khakpoor, B. , Sayad Salar, Y. , Moammari, E. , Saeedi Abdolabadi, A. (2019). Assessing the Potentials of Smart Cities with an Emphasis on Urban Transportation: A Case Study of the City of Birjand. *The Journal of Geographical Research on Desert Areas*, 6(2), 187-214,(in Farsi).

- Kheirabadi, M. (1998). Iranian Cities Translated by: Hossein Hataminjad and Ezzat Mafi, Mashhad, Nika Publishing.
- Lakoyan, A. (1985). Third World Housing (Minimum Housing). Translated by Mino Rafiei, Ministry of Planning and Budget.
- Leonardo, B. (1990), History of the cities of Islamic and European cities in the Middle Ages. Translated by: Parvaneh Movahed, Academic Publishing Center.
- Lee, B(1996). Architectural Design of Office Buildings: Air Conditioning. Translated by: Mazdak Sadri Afshar, Proceedings of the Essential Issues of High-Rise Building, Iranian Center for Urban Studies and Research, Tehran.
- Maleki, S. , aryan kia, M. (2019). Evaluation of Historical Housing Index in View of Iranian-Islamic Architectural Style in Line with Transformability of Modern Architecture. *Iranian Pattern of Progress*, 7(13), 36-62,(in Farsi).
- Mahmoodi Mehmandust, M. (2017). Meaning in Housing, Rereading of the Narrative of Yesterday's Housing for Today's Life. *Journal of Architectural Thought*, 1(2), 98-112,(in Farsi).
- Ministry of Housing and Urban Development(1995). Proceedings of the Seminar on Housing Development Policies in Iran, University of Tehran Press, Volume II, First Edition.
- Mirkatouli, J. Sarmad,R. (2017). An analysis on the role of urban land market in spatial development of cities: A case study of Mashahad. *International journal of strategic management* , 21(4): 371–383.
- Mirkatoli, J. , Baddast, B. , Ariankia, M. (2017). Indicator Stability Assessment of Housing Services in order to Promote the Development of Urban Settlements (Case Study: Gorgan City). *Journal of Urban Social Geography*, 3(4), 125-146,(in Farsi).
- Michel, G. (2003). The Architecture of the Islamic World and its Social Concept, Translated by: Ya'qub Ajand, Molly Publishing, First Edition, Tehran.
- Mohammadian, M. (2007). The Hierarchy of Privacy in Iranian Mosques, *Journal of Fine Arts*, 29. 59- 77,(in Farsi).
- Naghi zadeh, M. (2012). Reflections on Understanding the Basics of Islamic Housing, *Art Month Book*, 170. 38-54,(in Farsi).
- Naghi zade, M. (2008). Islamic City and Architecture (Specifications and Objects), Amani Publications, First Edition, Tehran.
- Naghi zadeh, M. (2008). Islamic Architecture and Urban Development, Rahian Publications, Isfahan.
- Naghi zadeh, M. (2012). Reflections on Understanding the Basics of Islamic Housing, *Art Month Book*, 170. 38-54,(in Farsi).

- Naghi zadeh, M. (2017). Islamic Aboding: From Theory to Practice in the Past and Present. *Journal of Architectural Thought*, 1(2) ,(in Farsi).
- Nasr, T. (2015). The Position of the "Architecture of Housing" Paradigm in Today's View of Iranian-Islamic City, *Quarterly Iranian-Islamic Studies*, 22 (6),67- 78. (in Farsi).
- Noghre kar, A. (2015). An Overview of Islamic Wisdom in Art and Architecture, Iran University of Science and Technology Publications, Tehran.
- Oktay, D. (1998). Urban spatial patterns and local identity: Evaluation in a Cypriot Town. *Open House International*, 23, 17.
- Payandeh, A. (1983). Nahj al-Fasheh, Immortal Publications, Tehran.
- Piran, P. (2005). The Identity of Cities - Too Many for a Complex Concept,*Abadi Journal*, No. 48, 6-10,(in Farsi).
- Pourmohammadi, M. R. (2006). Housing Planning, Tehran: Post Office, Third Edition. Tehran.
- Saraie, M. , Alizadeh Shoroki, Y. , Rezaei, M. (2020). Identifying the key drivers of sustainable tourism and developing the most desirable scenario: A Case study of the historical city of Meybod. *The Journal of Geographical Research on Desert Areas*, 8(1), 113-131,(in Farsi).
- Shipman ,L. (1999). The Islamic city order within Chaos, Pwcs, Edu, Hyiton High School. World Net Virginia,. Prine William County.
- Soltanzadeh, H. (1993). The Impact of Islam on City Construction, *Journal of Architecture and Urban Planning*, 25 and 26. 44- 51,(in Farsi).
- Tavakkolia Nia, J. Dastvareh, F. (2018). Currency Exchange Comparative Analysis of Approaches to Iranian-Islamic City, *Iranian-Islamic Studies Quarterly*, 28 (7), 5-20,(in Farsi).
- Vasiq, B. Pashootenizadeh, A. (2010). Concepts of Residence in Islamic Verses and Traditions, *Journal of Housing and Rural Environment*. 129. 50- 65,(in Farsi).
- Zarghamfard,M. Meshkini,A. Porahmad,A. Morganti,B. (2019). Determining the Adequate Housing Indicators from Islamic School Viewpoint, *Journal of Studies on Iranian-Islamic City*. 9(35),33-46,(in Farsi).
- Ziyari, K. Zarafshan, A. (2006). Quantitative and Qualitative Changes in Housing in Maragheh and Prediction of Housing Needed by 1402, *Geography and Development Quarterly*, 8 (4), 85-105,(in Farsi).

Original Research Article

Patterning and measurement of Iranian-Islamic housing element in the metropolis of Mashhad

Ali Asghar Pilehvar^{1*}, Bahhareh Mostofian², Elahe Kavooosi³

1- Associate professor in Urban planning, Art faculty, University of Bojnord, Bojnord, Iran

2- Master Degree in regional planning, University of Tehran, Tehran, Iran

3- PHD Degree in Geography and urban planning, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Received: 2019 December 30

Accepted: 2021 May 12

Introduction

The identity of life in cities and its physical elements such as housing are of paramount importance to note. House is the smallest form of the physical embodiment of human-environment and its interactions with the vital spatial functions of human habitation. It is considered to be a physical place and a primary shelter for family members, where the basic needs of individuals such as sleeping, resting, and protection from inclement weather are met. A proper house or shelter is not just a physical structure; it also embraces the concepts of value and spirituality such as tranquility, privacy, security and sense of belonging. In other words, the words house and housing imply such concepts as comfort, security, property security and sustainability. Given the importance of housing, many researchers have examined the spiritual and material dimensions of that from different perspectives. This study evaluates this subject from with an Iranian-Islamic approach. Islam has promoted the principles of urbanization and urbanism. From the Islamic perspective, the city and its accommodations are influenced by spiritual and religious teachings. To date, attempts have been made to consider every physical, mental and physical aspect of housing in accordance with the principles and styles of Iranian-Islamic architecture and urban planning so as to meet both material (physical space, etc.) and spiritual (peace, sense of belonging, etc.) needs of Muslims.

Methodology

In this study, in order to generalize the desired pattern, one of the 13 districts of Mashhad that has the closest resemblance to the designated components was selected as the model district, and the other districts were compared with that model. Using the Likert scale and the Expert Choice software, eleven components of Iranian-Islamic housing were extracted and measured, including identity, modesty, lack of extravagance, lack of

arrogance, hierarchy, central yard, introversion, security, area, concealment, and density of choice.. Then, the data were digitally fed to GIS, and the model was subject to analysis.

Results and discussion

This study shows that density has the highest value, which is compatible with the status of the criteria included in the Iranian-Islamic architecture of District 8 in Mashhad. The findings of the study suggest that District 8 can serve as a model of housing based on Iranian-Islamic criteria. In the next step, the conformity of the criteria is observed sequentially in Districts 9, 11, 2, 5 and 6. The highest degree of incongruence with Iranian-Islamic housing criteria belongs to Districts 10 and 1 followed by Districts 13, 12, 7, 4 and 3. According to the other findings, only District 8 of the city has the highest correspondence to half of the indicators studied, scoring the highest value (2.44) among the other areas in terms of compliance with Iranian-Islamic housing characteristics. Therefore, District 8 was used as a reference for comparison with the other areas of Mashhad to assess the degree of conformity with the studied components. On the other hand, Districts 1 and 10 had the lowest value (1.56) and were the most alienated from Iranian-Islamic housing characteristics. The results showed that District 8 of Mashhad offers a model that is consistent with Iranian-Islamic housing standards. In the other districts, the standards are not inspired by the characteristics of Iranian-Islamic housing. For example, the density of 0.158 was the most consistent and the area of 0.049 was the most incompatible with the optimal Iranian-Islamic housing criteria. The results also revealed that the components of Iranian-Islamic housing do not exist in more than seven districts of Mashhad, which is known as Iran's spiritual capital. The areas that still possess these characteristics have undergone constant urban changes. District 13, which surrounds the holy shrine of Imam Reza, is one of those areas remarkably irreconcilable with the components of Iranian-Islamic housing in the city.

Conclusion

With its new structures, the area is devoid of Islamic values and standards and, thus, far from the Islamic architectural style. Of all the districts of Mashhad, only District 8 complies with Islamic architectural standards by meeting more than half of the criteria attributed to favorable housing according to Iranian-Islamic standards. It can be a perfect model for the other areas to generalize and expand the values and patterns of Iranian-Islamic housing. Therefore, considering the position of the metropolis of Mashhad, it is necessary to implement the Iranian-Islamic principles and standards of architecture and urban planning. Promoting the material and spiritual values of the Islamic architecture in this religious metropolis also seems essential to ensure compliance with the Islamic patterns of architecture.

Keywords: Iranian-Islamic Housing, Location, Model district, Mashhad